

علل تهاجم آلمان به لهستان

سخنرانی آدولف هیتلر در رایشتاگ در یکم سپتامبر ۱۹۳۹

مترجم: حمید رضا نیک بخشی
(انجمن پژوهشی آدولف هیتلر)



علل تهاجم آلمان به لهستان

سخنرانی آدولف هیتلر در رایشتاگ در 1 سپتامبر 1939



مترجم: حمید رضا نیک بخش

کاری از:

انجمن پژوهشی آدولف هیتلر

تارنمای حقایق تاریخی

سایت ها:

www.wwii.ir/forum

www.ns-library.com

جزوه اینترنتی حاضر، به یاد تهاجم ارتش آلمان در یکم سپتامبر 1939 به لهستان فراهم گردیده است. امید است با ارائه این نوشتار که ترجمه فارسی سخنرانی آدولف هیتلر در یکم سپتامبر 1939 می باشد، بتوان بخشی دیگری از حقایق تاریخی مربوط به جنگ جهانی دوم را ارائه نمود. لازم به ترجمه ذکر است که متن این سخنرانی از کتاب «با هیتلر در لهستان» اثر هاینریش هوفمان ترجمه شده است

یکم سپتامبر 2011

تارنمای حقایق تاریخی:

www.truth88.com

www.antizionist88.com

کتابخانه مجازی ناسیونال سوسیالیسم:

www.ns-library.com

تالار گفتمان جنگ جهانی دوم:

www.wwii.ir/forum

ایمیل مترجم:

فهرست مطالب	
صفحه	عنوان
5	مقدمه مترجم
7	سخنرانی آغاز می شود
11	پیشوا هشدار داد
14	گناه لهستان
18	نخستین سرباز ملت

nik_bakhsh@yahoo.com

مقدمه مترجم

جزوه 22 صفحه ای پیش رو که به یاد تهاجم مقتدرانه ارتش آلمان هیتلری به حکومت دست نشاندۀ لهستان فراهم گردیده است، اگرچه یک نوشته نسبتاً کوتاه محسوب می گردد، اما یک سند تاریخی بسیار مهم است: سخنرانی آدولف هیتلر در یکم سپتامبر 1939 خطاب به رایشتاگ آلمان!

آدولف هیتلر در این سخنرانی به طور مختصر و مفید به علل اصلی تهاجم ارتش آلمان به لهستان اشاره می کند. او پیمان ورسای را به باد انتقاد می گیرد، به کوشش های خود برای برقراری یک وضعیت صلح جویانه تر میان آلمان و لهستان اشاره می کند، از اقدامات غیر انسانی لهستانی ها علیه اقلیت آلمانی تبار ساکن در آن کشور و نیز علیه بندر آلمانی نشین دانتسیگ سخن می گوید، و نهایتاً اینکه به عدم تمایل لهستان برای عقد تفاهم با آلمان اشاره می کند.

آدولف هیتلر همچنین در این سخنرانی از تمام ملت آلمان درخواست فداکاری می کند و ابراز می دارد کاری که از ملت آلمان می خواهد، همان کاری است که خود او در سال های جنگ جهانی اول انجام داد. هیتلر طی این سخنرانی خود را نخستین سرباز آلمان در این نبرد می نامد.

این سخنرانی بیش از هر چیز، یک نگاه آلمانی به دلایل و انگیزه های تهاجم آلمان به لهستان (که نهایتاً منجر به آغاز جنگ جهانی دوم شد) می باشد و خوانندگان محترم می توانند این بار به دور از تبلیغات دروغ آمیز لیبرالی و کمونیستی، از زبان آدولف هیتلر با حقایق آغاز جنگ آشنا شوند.

حمید رضا نیک بخش

توضیح برخی واژگان:

رایشستاگ: مجلس ملی آلمان

پیمان ورسای: پیمانی که بعد از پایان جنگ جهانی اول و در سال 1919 به آلمان تحمیل گردید.

دانتسیگ: یک بندر کاملاً آلمانی که مطابق پیمان ورسای از آلمان جدا شده بود و تحت قلمرو مسئولیت جامعه ملل قرار داشت، اما لهستان نیز بر آن نظارت داشت.

دالان: یک منطقه آلمانی نشین که مطابق پیمان ورسای به لهستان داده شد تا لهستان بتواند به دریا دسترسی پیدا کند. این دالان باعث شد که خاک آلمان به دو نیم تقسیم شود و ساکنان دو طرف مجبور شوند برای برقراری ارتباط زمینی از منطقه تحت سلطه لهستان عبور کنند.

[سخنرانی آغاز می شود]

آقایان نمایندگان، مردان رایشتاگ آلمان!

ماه ها است که یک مشکل همه ما را رنج و عذاب می دهد. مدت ها پیش دیکته ورسای این مشکل را بر ما تحمیل کرد و انحراف و انحطاطی که در آن ایجاد شد اکنون غیر قابل تحمل شده است. دانتسیگ در گذشته یک شهر آلمانی بود و اکنون هم یک شهر آلمانی است. دالان هم آلمانی بود و آلمانی است. این مناطق رشد فرهنگی خود را تنها مدیون ملت آلمان هستند و بدون ملت آلمان، این مناطق هنوز در عمق بربریت و وحشیگری غوطه ور بود. دانتسیگ از ما جدا شده و دالان را هم لهستان ضمیمه کرده است. با اقلیت آلمانی ساکن در آن مناطق به طرز بیرحمانه ای رفتار می شود. در سال های 1919 و 1920، بیش از یک میلیون نفر که دارای خون آلمانی هستند مجبور شدند زادبوم خود را ترک کنند.

من نسبت به این مسأله هم همچون همیشه کوشش نمودم تا به صورت صلح جویانه و با ارائه پیشنهادهاتی در این وضع غیر قابل تحمل تغییراتی ایجاد کنم.

اینکه دیگران در جهان ادعا می کنند که ما برای تجدید نظر به زور متوسل شده ایم یک دروغ محض است. از پانزده سال پیش از قدرت یابی

ناسیونال سوسیالیسم، فرصت بسیار زیادی برای اجرای صلح آمیز تجدید نظر ها وجود داشت، ولی هیچ گونه اقدامی به عمل نیامد. با این حال، من نه فقط یک بار، بلکه بار ها پیشنهاداتی برای تجدید نظر ارائه نمودم.

شما می دانید که تمام پیشنهادات مرا رد کردند. نیازی نیست که همه آنها را یک به یک شرح دهم: من در باب محدود سازی تسلیحات و حتی اگر لازم باشد نابودی کامل تسلیحات پیشنهاداتی ارائه دادم، همینطور درباره محدود سازی روش های جنگی، و همینطور محو روش های جنگاوری نوین که به اعتقاد من به شدت با قوانین بین المللی در تضاد است، پیشنهاداتی ارائه دادم. شما آقایان به خاطر دارید که چه پیشنهاداتی در باب اعاده حق حاکمیت آلمان بر مناطق رایش آلمان ارائه نمودم. شما به خاطر دارید که چه پیشنهاداتی برای یک راه حل صلح آمیز درباره مسئله اتریش، و بعداً مسئله سودتنلاند، و بوهیم و مورای ارائه نمودم، اما تمام کوشش های من بی اثر بود.

یک چیز وجود دارد که حقیقتاً غیر ممکن است: اینکه درخواست کنند یک وضعیت تحمل ناپذیر به صورت تجدید نظر مسالمت آمیز و صلح جویانه حل شود، و سپس هر گونه راه حل مسالمت آمیزی را با قاطعیت رد کنند.

همچنین غیر ممکن است که ادعا شود فردی که در چنین شرایطی تصمیم می گیرد که خودش این وضعیت را اصلاح کند و به تجدید نظر

اقدام کند، یک ناقص قانون است. زیرا که دیکته ورسای برای ما آلمانی ها قانون محسوب نمی شود.

اینکه یک تپانچه روی قلب کسی بگذارند و او را مورد شکنجه قرار دهند و نیز با تهدید میلیون ها انسان به گرسنگی یک امضا بگیرند و سپس اعلام کنند که سندی که بدین صورت بدست آمده است قانون محسوب می شود، به هیچ وجه قابل قبول نمی باشد. بنابراین من هم در مورد دانتسیگ و هم در مورد دالان کوشش نمودم که با مذاکره و پیشنهادات مسالمت آمیز و صلح جویانه مسائل را حل نمایم. کاملاً آشکار است که این مشکلات باید حل می شدند و هیچ شکی در این نبود. دولت های غربی علاقه ای به زمان حل این مسائل نداشتند، اما زمان حل این مسائل برای ما اهمیت دارد. به ویژه زمان حل این مسائل باید برای کسانی که دچار رنج و عذاب شده اند، اهمیت دارد.

طی گفتگوهایی که با سران لهستان داشتم، افکار و عقاید من را که در سخنرانی پیشین من در رایشتاگ شنیدید را بیش از یکمرتبه برای آنها شرح دادم. هیچ کس نمی تواند مرا به انجام شیوه های یا اعمال فشار نامناسب متهم کند. من پیشنهادات آلمان را تنظیم نمودم، و باید در اینجا تکرار نمایم که صادقانه تر و سخاوتمندانه تر از پیشنهاداتی که ارائه دادم را نمی توان یافت. من باید در برابر تمام دنیا این را بگویم که تنها من بودم که

چنین پیشنهادهای را ارائه دادم و من می دانم که با این پیشنهادان خود را در مقابل و در مخالفت با عقیده میلیون ها آلمانی قرار دادم. پیشنهادات من توسط لهستانی ها رد شدند. و تمام ماجرا این نیست! آنها با بسیج عمومی و تشدید تروریسم و وحشیگری و افزایش فشار به آلمانی تبار های این نواحی پاسخ مرا دادند. آنها همینطور به مبارزه اقتصادی و سیاسی دست زدند و حتی در چند هفته اخیر به اقدامات نظامی پرداختند تا ارتباط شهر آزاد دانتسیگ را به تدریج اما به طور کامل با پایگاه های خود قطع نمایند.

لهستان علیه شهر دانتسیگ اقدام به جنگ نموده است. این کشور مایل نبود که مسأله دانتسیگ و دیگر مسائل را به گونه عادلانه و به نفع هر دو طرف حل کند.

و بالاخره اینکه این کشور هیچ وقت مایل نبوده است که وظایف و تعهدات خود نسبت به اقلیت ها را ایفا کند.

و در این هنگام باید متذکر شوم که آلمان وظایف و تعهدات خود در مورد اقلیت ها کاملاً رعایت کرده است. اقلیت های ساکن آلمان هرگز مورد آزار و اذیت قرار نگرفته اند. برای مثال یک فرانسوی هم وجود ندارد که برخیزد و ادعا کند که فرانسوی ها در منطقه زار مورد ظلم و ستم قرار می گیرند و از حقوق خود محروم شده اند. هیچ کس نمی تواند چنین ادعایی کند.

پیشوا هشدار داد

من از چهار ماه پیش تا کنون تنها با سکوت و آرامش وضعیت را نظاره نمودم. با این حال مکرراً هشدار هایی دادم و اخیراً نیز این هشدار ها را تشدید نمودم.

من سه هفته پیش به سفیر لهستان اطلاع داده ام که اگر لهستان باز هم به ارسال یادداشت و اولتیماتوم به دانتسیگ بپردازد، و اگر اقدامات تبعیض آمیز دیگری را علیه آلمانی های آن ناحیه اجرا نماید، و اگر کوشش نماید که با تحمیل سیاست های گمرکی خود دانتسیگ را از لحاظ اقتصادی نابود کند، در آن صورت نباید از آلمان انتظار داشت که بایستد و هیچ کاری نکند.

من شک ندارم که در این زمینه، این یک اشتباه بزرگ خواهد بود که آلمان امروز را با آلمان گذشته اشتباه کرد.

لهستانی ها کوشش های انجام دادند تا با اتهامات متقابل بر ضد آلمانی تبار ها، رفتار ظالمانه خود را با این بهانه که یک پاسخ به اقدامات «تحریک آمیز» اقلیت آلمانی می باشد، توجیه نمایند. من نمی دانم مگر این زن و بچه ها چه اقدامات تحریک آمیزی انجام داده اند که آنها را اینقدر مورد بدرفتاری و حتی آدم دزدی قرار می دهند. من نمی دانم مگر آنها چه

اقدامات تحریک آمیزی انجام داده اند، که لهستانی ها آنها را به شیوه ای سادیستی مورد آزار و اذیت قرار می دهند و در نهایت به زندگی آنها خاتمه می دهند.

با این حال من یک چیز را می دانم: یک کشور بزرگ و آبرومند، بیش از این نمی تواند با آرامش چنین وضعیتی را تحمل کند. با این وجود، من آخرین کوشش خود را انجام دادم. و اگرچه قلباً اعتقاد داشتم که دولت لهستان که تحت تأثیر احساسات دار و دسته سربازان قرار گرفته است، خواهان یک تفاهم حقیقی نیست. با این حال من پیشنهاد میانجیگری دولت بریتانیا را پذیرفتم. بریتانیا پیشنهاد نمود که اگرچه خود مایل نیست وارد مذاکره شود، اما یک خط ارتباطی مستقیم میان آلمان و لهستان را برقرار کند تا بتوان مذاکرات را از سر گرفت.

و من خود را مجبور می بینم اظهار نمایم که این پیشنهاد را پذیرفتم، و من برای دور جدید این مذاکرات، پیشنهاداتی ارائه دادم که از آن آگاه می باشید.

سپس من و دولت من دو روز تمام را انتظار کشیدیم که ببینیم آیا دولت لهستان یک نماینده تام الاختیار می فرستد یا خیر. تا شب پیش هیچ نماینده ای از طرف دولت لهستان اعزام نشد، و این دولت از سفیر خود اطلاع داد که این دولت اکنون به این می اندشید که آیا در چه وضعیتی می

تواند پیشنهادات انگلیس را مورد ملاحظه قرار دهد و بعداً تصمیم خود را به اطلاع انگلیس می رساند.

آقایان نمایندگان! اگر کسی آنقدر گستاخ است که انتظار دارد رایش آلمان و رئیس دولت آن چنین وضعیتی را تحمل کرده و بپذیرد، و رایش آلمان و رئیس دولت آن چنین وضعیتی را تحمل کند، در آن صورت ملت آلمان سزاوار آن است که کاملاً از صحنه سیاست کنار برود. این قضاوت نادرستی خواهد بود که علاقه من به صلح و صبر و بردباری من، به اشتباه ضعف و یا حتی ترس قلمداد شود. شب پیش به دولت بریتانیا اطلاع دادم که در چنین شرایطی من دیگر علاقه ای از طرف دولت لهستان برای انجام مذاکرات جدی با ما مشاهده نمی کنم. زیرا که پاسخ لهستان به پیشنهادات چنین بود: نخست بسیج عمومی در لهستان و دوم تشدید بیرحمی های ظالمانه و فجیع علیه اقلیت آلمانی.

رویداد های مشابهی طی شب پیش رخ دادند. 21 حادثه مرزی تنها در یک شب ثبت شده است، و شب پیش 14 تجاوز مرزی که سه تای آن جدی بوده اند، ثبت گردیده است. بنابراین من تصمیم گرفته ام با لهستان به همان زبانی سخن بگویم که این کشور طی ماه های گذشته با ما سخن گفته است.

اکنون که سیاستمداران غربی قصد دارند اظهار کنند که این موضوع در تضاد با منافع آنها است، من تنها می توانم نسبت به این موضوع اظهار تأسف نمایم. با این وجود این مسأله هرگز نمی تواند و نخواهد توانست حتی برای یک دقیقه مرا نسبت به انجام وظیفه ام دچار تردید نماید. من رسماً در اینجا به دولت های غربی اطمینان می دهم و باز تکرار می کنم که ما چیزی از آنها نمی خواهیم. ما چیزی از آنها درخواست نمی کنیم. من به آنها اطمینان می دهم که مرز بین آلمان و لهستان قطعی است. من بار ها به لهستان پیشنهاد دوستی و اگر لازم باشد همکاری بسیار نزدیکی را پیشنهاد نموده ام. من دوستی نمی تواند یک مسأله یک طرف باشد و دو طرف باید نسبت به هم ابراز دوستی نمایند.

آلمان به دنبال هیچ گونه منفعتی در غرب نیست. دیوار غربی برای مرز دائمی رایش را مشخص می کند. علاقه ما برای آینده هم با حال تفاوتی ندارد و هیچ چیز دیدگاه آلمان در این رابطه را تغییر نمی دهد.

گناه لهستان

تعدادی از دولت های اروپایی وضع ما را درک کردند. مایلم بیش از هر چیز تشکرات خود را به ایتالیا ابراز نمایم که در طول تمام این دوره ما را مورد

حمایت قرار داد. اما شما می دانید که ما نمی خواهیم در این نبرد از یک قدرت خارجی درخواست کنیم. این وظیفه ماست و خود ما باید آن را انجام دهیم.

کشور های بی طرف از قبل ما را از بی طرفی خود مطمئن کرده اند و ما نیز این بی طرفی را ضمانت نمودیم. ما در تأیید این موضوع بسیار جدی هستیم، تا زمانی که قدرت های دیگر این بی طرفی را نقض نکنند، ما نیز باید به طور کامل به آن بی طرفی احترام بگذاریم. چه دلیلی دارد که بخواهیم به گونه ای متفاوت به این کشور ها رفتار کنیم. من بسیار خشنود هستم که می توانم شما را از یک موضوع ویژه و مهم مطلع کنم.

شما می دانید که دو عقیده متفاوت بر روسیه و آلمان حکومت می کنند. فقط یک موضوع است که باید مورد توجه قرار بگیرد: از آنجایی که آلمان قصد ندارد اندیشه و عقیده خود را صادر کند و نظر به اینکه از این زمان هم روسیه قصد ندارد عقیده خود را به آلمان تحمیل نماید، دیگر دلیلی نمی بینم که ما به مخالفت با یکدیگر بپردازیم. ما به خوبی می دانیم که هر نبردی میان دو ملت ما، به یک دسته سوم نفع می رساند. بنابراین ما تصمیم گرفتیم پیمانی منعقد نماییم که به موجب آن برای همیشه از توسل به زور پرهیز نماییم. آن پیمان همچنین ما را ملزم به مشورت و همفکری دو جانبه در باب پاره ای از مسائل مربوط به اروپا می کند. به علاوه، این

پیمان شرایط برقراری همکاری اقتصادی را ممکن می سازد و مهم تر از همه اینکه نیروی و قدرت این دو دولت بزرگ در رقابت با یکدیگر تلف نمی شود.

هر گونه کوششی از جانب کشور های غربی برای تغییر در این وضعیت محکوم به شکست است. و امروز مایلیم به همه شما اطمینان دهم که تصمیم نشانه یک تغییر و تحول عظیم و بنیادین برای آینده می باشد. من اعتقاد دارم که تمام ملت آلمان از این تصمیم سیاسی من استقبال می کند. روسیه و آلمان در جنگ جهانی به نبرد با یکدیگر پرداختند و در پایان هر دوی آنها به یک اندازه رنج بردند. این رویداد دیگر نباید تکرار شود! دیروز در مسکو و برلین، پیمان عدم تجاوز و همکاری متقابل مورد تصدیق و پذیرش قرار گرفت. این پیمان در مسکو به شدت مورد استقبال قرار گرفت، همانطور که شما در اینجا از آن استقبال کردید. من سخنان مولوتوف کمیسر خارجی شوروی را تأیید می کنم.

هدف های ما که تصمیم به حل آنها گرفته ام بدین شرح است:

یکم: مسأله دانسیگ

دوم: مسأله دالان

سوم: ایجاد یک تغییر در روابط آلمان و لهستان که ضامت یک همزیستی مسالمت آمیز و صلح جویانه میان هر دو کشور باشد.

ضمناً من مایلم به این جنگ ادامه دهم تا اینکه دولت کنونی لهستان با انجام این تغییرات موافقت کند، و یا دولت دیگری در لهستان حاضر شود چنین تغییراتی را انجام دهد.

من ناامنی را از مرزهای آلمان محو خواهم کرد و به این وضعیت که به جنگ داخلی شباهت دارد پایان خواهم داد. من علاقه مندم که مرزهای شرقی ما هم مانند مرزهای غربی ما در صلح و آرامش قرار بگیرد.

آقان نمایندگان، من مایلم اقدامات لازم را به صورتی انجام دهم که با پیشنهاداتی که در حضور شما به جهان اعلام نمودم در تضاد نباشد.

سخن من بدین معنی است که من نمی خواهم بر ضد زنان و کودکان جنگ برپا کنم. من به لوفت وافه خود دستور داده ام که حملات خود را به اهداف نظامی محدود کند، اما اگر دشمن گمان کند که می تواند از این وعده من بهانه ای برای انجام اقدامات مخالف بر ضد ما کسب کند، در آن صورت با چنان پاسخ نیرومندی روبرو خواهد شد که او را از هر اقدامی باز دارد. امروز سربازان ارتش منظم لهستان برای نخستین بار به سوی منطقه

ما آتش گشودند. ما از ساعت 5:45 صبح به بعد داریم پاسخ این آتش را می دهیم: بنابراین پاسخ هر بمبی را با بمب خواهیم داد.

اگر طرف مقابل بخواهد از گاز سمی در جنگ استفاده کند، باید در انتظار گاز سمی باشد. اگر او بخواد قوانین و رسوم بشردوستانه در جنگ را زیر پا بگذارد، در آن صورت نباید انتظار داشته باشد که ما آن قوانین را رعایت نماییم. من این نبرد را در برابر هر دشمنی ادامه خواهم داد، تا اینکه امنیت رایش و حقوق آن را تضمین نمایم.

نخستین سرباز ملت

بیش از شش سال است که من مشغول تجدید تسلیحات ورماخت آلمان هستم. من بیش از 90 میلیارد مار برای تجدید تسلیحات ورماخت صرف کرده ام. امروز این ارتش جزء مجهز ترین ارتش های جهان است و در مقایسه با ارتش سال 1914 به مراتب بهتر است. من به نیروهای مسلح خود اعتمادی تزلزل ناپذیر دارم. هنگامی که این ورماخت را فرا می خوانم و از ملت آلمان خواستار فداکاری و حتی در صورت خواستار نهایت فداکاری هستم، خواسته خود را برحق می دانم، زیرا خود من امروز همچون گذشته برای انجام هر گونه فداکاری شخصی آماده هستم. من از هر آلمانی تنها

خواهان همان کاری هستم که خود من طی مدت چهار سال آماده انجام آن بوده ام. من از آلمانی هیچ گونه درخواست فداکاری نمی کنم، اگر خودم آن را درخواست را بدون یک لحظه درنگ اجابت نکنم. اکنون تنها آرزوی من این است که نخستین سرباز رایش آلمان باشم.

بنابراین من اکنون لباسی را پوشیده ام که برایم مقدس ترین و عزیز ترین لباس است. من این لباس را تنها پس از کسب پیروزی ترک خواهم کرد، مگر اینکه تا آن هنگام زنده نباشم. اگر طی این نبرد اتفاقی برای من رخ داد، در آن صورت جانشین من رفیق گورینگ خواهد بود.

اگر اتفاقی برای رفیق گورینگ افتاد، در آن صورت جانشین او رفیق هس خواهد بود. شما باید به آنها هم به عنوان پیشوای خودتان وفادار باشید و کاملاً از آنها اطاعت کنید، همانطور که امروز در من چنین می کنید. در صورتی که برای رفیق هس اتفاقی رخ دهد، در آن صورت من به وسیله قانونی که وضع خواهم کرد، به مجلس سنا اختیار می دهم که از شایسته ترین و به عبارت دیگر دلیر ترین فرد را از میان خود برای این مقام انتخاب نماید.

به عنوان یک ناسیونال سوسیالیست و یک سرباز آلمانی، من با عزمی راسخ و قلبی قوی وارد این نبرد می شوم. زندگی من چیزی نبوده است به

جز نبرد برای آلمان و برای رستاخیز آلمان. در تمام این نبرد من تنها یک عقیده خواهم داشت: ایمان به ملت آلمان.

در این دنیا کلمه ای وجود دارد که من هرگز آن را نمی شناسم و آن کلمه چیزی نیست به جز: تسلیم. اکنون امروز کسی فکر می کند که ما به سوی دوره ای سخت و ناگوار می رویم، من تنها می توانم از او بخواهم که زمانی را به یاد بیاورد که پادشاه پروس با کشور بسیار کوچک خود توانست با یکی از نیرومندترین ائتلاف های جهان روبرو شود. و در نهایت او توانست در سه نبرد پیروز شود، زیرا که او دارای قبلی معتقد و نیرومند بود، و این همان چیزی است که ما در دوره موجود به آن نیازمندیم. من مایلیم که اکنون یک موضوع را به جهانیان اطمینان دهم: دیگر هرگز یک نوامبر 1918 در تاریخ آلمان تکرار نخواهد شد. همان طور که خود من در هر لحظه ای آماده هستم جان خود را برای ملت و آلمان فدا کنم، از سایرین نیز می خواهم به همان اندازه آماده فداکاری باشند. اما هر کس که گمان کند می تواند با این فرمان ملی ضدیت کند خودش نابود خواهد شد. در میان ما نباید هیچ خائنی وجود داشته باشد، و همه ما خودمان را به یک اصل باستانی متعهد می نماییم: زندگی ما اهمیتی ندارد، آنچه اهمیت دارد این است که ملت ما و آلمان باید همواره زنده و جاوید بماند.

از شما نمایندگان آلمان انتظار دارد به وظیفه خود عمل کنید. شما باید در به هر بهایی پرچمدار پایداری و استقامت باشید.

من انتظار ندارم که کسی نزد من بیاید و از سقوط روحیه ایالت، بخش، گروه یا سلول خود به من گزارش دهد. خود شما مسئول وضعیت روحی حوزه خود می باشید. و من مسئول روحیه ملت آلمان هستم. شما مسئول وضعیت روحی در ایالت ها و بخش های خود هستید. هیچ کس حق ندارد از مسئولیت خود شانه خالی کند. آن فداکاری را که امروز از ما انتظار ندارید، نسبت به فداکاری نسل های گذشته ما بزرگتر نمی باشد. مردانی که پیش از ما برای بزرگی و شکوه آلمان به سخت ترین و شدید ترین دشواری ها و ناکامی ها تن در دادند، بیش از آنچه فداکاری مورد انتظار از ما فداکاری کرده اند، و با این وجود فداکاری آنها بی بها تر و بی عذاب تر از آنچه که امروز از ما خواسته می شود نبوده است.

من از هر زن آلمانی انتظار دارم که با انضباط آهنین و به صورتی که سرمشق سایرین واقع گردد، همراه با جامعه بزرگ ما در این نبرد شرکت کند. مطمئناً جوانان آلمانی هم با قلبی روشن و پرفروغ، انتظارات و خواسته های ملت و دولت ناسیونال سوسیالیستی را برآورده خواهد کرد. چنانچه ما بتوانیم چنین جامعه ای را به وجود بیاوریم که هم قسم و متحد بوده و به

هیچ وجه حاضر به تسلیم نشود، در آن هنگام اراده ما بر تمام مشکلات
چیره خواهد شد.

با آن سخنانی که در گذشته و هنگام آغاز نبرد برای کسب قدرت در
رایش بیان نمودم، به سخنان خود خاتمه می دهم. من در آن زمان اظهار
نمودم: تا وقتی که اراده ما آنقدر قوی باشد که هیچ مشکلی نتواند در آن
خللی ایجاد کند، در آن هنگام اراده ما همراه با فولاد آلمانی مشکلات را
شکست خواهد داد و بر آنها چیره خواهد شد.

آلمان - زیگ هایل!